

## اعتصاب عمومی در یونان و درس های آن برای طبقه کارگر ایران- بخش اول



آرمان پویان

تمامی آن چه که تاکنون تحت عناوین پرطمطراقی هم چون "چشم انداز بهبود اقتصادی" و "خروج از بحران" در انواع و اقسام نشریات بورژوازی جهان، تبلیغ و پس مانده های آن با کمی اغراق از بلندگوهای تبلیغاتی نتولیبیرال های وطنی ما در ایران خارج می شد، با بحران اقتصادی یونان و البته سایر کشورهای اروپا به یک باره رنگ باخت. نگاهی گذرا به شاخص های مهم اقتصادی کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و منطقه یورو (متشکل از ۱۶ کشور به عنوان بخشی از اتحادیه اروپا) نشان دهنده عمق بحران، و نه پایان آن، است.

از اواخر سال ۲۰۰۷ تا پایان ۲۰۰۹، یعنی دوره شروع و تشدید بحران جهانی سرمایه داری، نرخ بیکاری دو منطقه مذکور به طور مداوم رو به افزایش بود، به طوری که در ژانویه ۲۰۱۰، نرخ بیکاری منطقه یورو در کل به ۹.۹٪ رسید. در ماه ژانویه، کسری تراز بازرگانی کشورهای منطقه یورو و اتحادیه اروپا، هر یک به ترتیب به جمعاً ۸.۹ و ۲۲.۵ میلیارد یورو رسید.

رشد اقتصادی به تفکیک منطقه (%)

کشور	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹
کشورهای OECD	۲.۵	۰.۳	-۳.۳
منطقه یورو	۲.۷	۰.۵	-۳.۹

World Bank, World Economic Prospects 2010

نرخ بیکاری (%)

کشور	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	ژانویه ۲۰۱۰
کشورهای OECD	۵.۸	۶.۱	۸.۳	۸.۷
اتحادیه اروپا	۷.۱	۷	۸.۹	۹.۵

منطقه یورو	۷.۵	۷.۶	۹.۴	۹.۹
------------	-----	-----	-----	-----

## OECD, OECD Harmonised Unemployment Rates News Release: January 2010

به موازات این مشکلات، تقلا برای حمایت از نظام مالی و غلبه بر رکود جهانی، منجر به گسترش شدید کسری بودجه دولت ها در سرتاسر جهان شد. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی تخمین می زند که مجموع بدهی های ۳۰ کشور عضو سازمان، از ۱.۳ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۷ به ۸.۲٪ در سال ۲۰۰۹ رسید (یعنی بیش از ۶ برابر افزایش یافت) و در این بین، بدهی ناخالص آن ها از ۷۳ درصد تولید ناخالص داخلی، به ۹۰٪ افزایش یافت. این افزایش در بدهی ها به خصوص در ایالات متحده، انگلستان و برخی دیگر از کشورهای اروپایی (به ویژه ایسلند) بسیار تند بود.

طبق تخمین های کمیسیون اروپا در گزارش جدید خود با عنوان "پیش بینی اقتصادی اروپا، بهار ۲۰۱۰"، در سال ۲۰۰۹، میزان کسری اتحادیه اروپا به ۶.۸٪ و کسری منطقه یورو به ۶.۳٪ از تولید ناخالص داخلی رسید و نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی نیز در اتحادیه اروپا و منطقه یورو هر یک به ترتیب به ۷۳.۶ و ۷۸.۷ درصد افزایش یافت.

یونان به عنوان اقتصاد کوچکی که اصولاً نقش مهمی در بازارهای مالی بین المللی ایفا نمی کند و تکیه اصلی آن بر دو بخش توریسم و ترابری است، از اثرات بحران جهانی بی بهره نمانده. نرخ بیکاری جوانان (یعنی افراد رده سنی ۱۵ تا ۲۴ سال) از ۲۰.۶٪ در سال ۲۰۰۸، به ۲۵.۳٪ در سپتامبر ۲۰۰۹ رسید و این احتمال وجود دارد که تا پایان سال جاری (۲۰۱۰) به ۲۸٪ برسد. ضمناً رشد اقتصادی یونان از ۲٪ در سال ۲۰۰۸ به منفی ۲ درصد در ۲۰۰۹ سقوط کرد، و تخمین زده می شود که در سال ۲۰۱۰ به منفی سه درصد برسد. در سال گذشته، میزان صادرات و واردات یونان به ترتیب ۱۸.۱ و ۱۴.۱ درصد سقوط داشت. اما این ها تمام داستان نیست؛ مسأله کسری و بدهی های دولت، حالتی نگران کننده و بحرانی به خود گرفته است. حتی پیش از آن که یونان به منطقه یورو بپیوندد، نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی کشور در حدود ۱۰۰٪ بود.

میزان بدهی دولت از ۹۹.۲ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۸ (بر طبق تخمین جدید کمیسیون اروپا) به ۱۱۵.۱٪ در سال گذشته رسید و پیش بینی می شود که این رقم تا پایان سال جاری به ۱۲۴.۹٪ برسد؛ در این بین، کسری تراز مالی عمومی دولت، طی سال ۲۰۰۸-۲۰۰۹، از ۷.۷ به ۱۳.۶ درصد تولید ناخالص داخلی رسید. به علاوه، در سه سال گذشته، حساب جاری در تراز پرداخت ها هم منفی بوده است. کسری در حساب جاری، یونان را به شدت آسیب پذیر کرده است، چرا که این کشور برای تأمین مالی کسری بخش عمومی، ناگزیر به سرمایه خارجی تکیه کرده است.

شاخص های اصلی کشور یونان	درصد تغییرات سالانه			
	۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۷
تولید ناخالص داخلی	-3	-2	۲.۰	۴.۵
تراز حساب جاری (*)	-۱۰.۳	-۱۳.۱	-۱۳.۸	-۱۴.۷
تراز عمومی دولت (*)	-۹.۳	-۱۳.۶	-۷.۷	-۵.۱
بدهی ناخالص دولت (*)	۱۲۴.۹	۱۱۵.۱	۹۹.۲	۹۵.۷

(\*) به عنوان درصدی از GDP

دولت یونان، در تاریخ ۱۴ ژانویه ۲۰۱۰، از "برنامه ثبات و رشد" به منظور کاهش کسری به ۲.۸٪ تا سال ۲۰۱۲ خبر داد که این برنامه با حمایت از سوی کمیسیون اروپا رو به رو شد. در دوم فوریه، تثبیت دستمزد کارکنان بخش عمومی به کسانی که ماهانه کم تر از ۲۰۰۰ یورو درآمد داشتند، بسط داده شد. به دنبال این اقدامات، در تاریخ ۲۴ فوریه، یک اعتصاب عمومی یک روزه علیه سیاست های مذکور در بخش خدمات عمومی و حمل و نقل رخ داد. دو میلیون کارگر از جمعیت ۱۱ میلیونی کشور در این تظاهرات شرکت کرد. نسبتی که با اعتصابات مه-ژوئن ۱۹۶۸ در فرانسه قابل مقایسه است.

با این حال دولت سرمایه داری یونان توانست تا با تصویب یک بسته اقتصادی در تاریخ ۵ مارس، بخش عمده "فشار از بالا" (به خصوص از سوی اتحادیه اروپا) را به طبقه کارگر یونان تحمیل کند. بر مبنای این بسته، دولت دستمزدهای بخش عمومی را به میزان ۱۰ درصد کاهش داد، حقوق مستمری را متوقف نمود و نرخ مالیات کاهنده بر سوخت، الکل و سیگار را افزایش داد تا از این طریق بتواند حجم کسری خود را به میزان ۴.۸ میلیارد یورو (تقریباً معادل ۶.۶ میلیارد دلار) پایین بیاورد.

کم تر از یک هفته بعد (در تاریخ ۱۱ مارس) اعتصاب کارگران بخش عمومی و خصوصی آغاز شد. نهایتاً پایاندهنده در ۱۸ مارس، "هشدار" داد که چنان چه هزینه های قرض گرفتن هم چنان بالا باقی بماند، یونان قادر به کاهش کسری خود نخواهد بود و "بالاچار" به سراغ صندوق بین المللی پول (IMF) خواهد رفت. فردای همان روز نیز خوزه مانوئل باروسو، رئیس کمیسیون اروپا، اعضای اتحادیه اروپا را به توافق بر سر یک بسته کمک اضطراری برای یونان تشویق کرد.

روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر، پایاندهنده از دور چهارم سیاست های ریاضتی دولت پرده برداشت. در همین روز راهپیمایی های اعتراضی زیادی در آتن و تسالونیک از سوی اتحادیه ها، گروه های چپ، آنارشویست ها و طرفداران حزب کمونیست صورت گرفت که پس از رسیدن نیروهای پلیس برای کنترل معترضین، به درگیری های خشونت بار کشیده شد. روز یکشنبه، دوم ماه مه، پایاندهنده پس از رسیدن به وحدت نظر با اتحادیه اروپا و صندوق بین المللی پول گفت که مردم یونان بایستی "از خودگذشتگی بزرگی" نشان دهند و "بسته پس انداز" بزرگی را به حجم ۳۰ میلیارد یورو تحمل نمایند. وزیر دارایی وی، "گیورگوس پاپاکوستانتینو"، اجزای این بسته را چنین تشریح کرد:

مالیات بر ارزش افزوده که در ماه مارس سال جاری افزایش یافته بود، بار دیگر ۲ درصد اضافه خواهد شد و به ۲۳ درصد خواهد رسید. حقوق ماه ۱۳ و ۱۴ کارمندان دولتی هر کدام به ۵۰۰ یورو تقلیل و حقوق کارمندان شرکت های دولتی مانند شرکت های آب و برق و تلفن ۳ درصد کاهش خواهد یافت. عیدی (کریسمس و عید پاک) و همین طور کمک مرخصی کلیه بازنشستگان روی هم رفته به ۹۰۰ یورو کاهش داده خواهد شد. در عوض سن بازنشستگی ارتقا خواهد یافت. مضاف بر این تغییرات دستمزد اضافه کاری کاهش پیدا خواهد کرد. تأمین قانونی اشتغال تضعیف گردیده و در عین حال سقف بازخرید کارگران اخراجی پایین آورده خواهد شد.

در واقع همه این فشارها (با شعار "دهان پرکن" افزایش توان رقابتی) ابزاری طرح ریزی شده برای هموار کردن مسیر به سوی گرفتن وام از صندوق بین المللی پول و مقابله با ورشکستگی اقتصادی کشور بود. به گزارش صندوق بین المللی (۲ مه ۲۰۱۰): "یونان با صندوق بین المللی پول (IMF)، کمیسیون اروپا و بانک مرکزی اروپا (ECB) بر سر یک برنامه متمرکز به منظور تثبیت اقتصاد این کشور، افزایش توان رقابتی و بازگرداندن اطمینان بازار از طریق یک بسته مالی ۱۱۰ میلیارد یورویی (حدوداً ۱۴۵ میلیارد دلاری) به توافق رسید". طبق توافقات، این بسته در طی سه سال آتی در اختیار یونان قرار می گیرد و ۴۵ میلیارد یورو از این مبلغ، به سال جاری اختصاص دارد.

بر مبنای همین گزارش، اعضای منطقه یورو نیز به پرداخت وام های دوجانبه به ارزش کلاً ۸۰ میلیارد یورو (تقریباً ۱۰۵ میلیارد دلار) برای حمایت از "تلاش های" یونان در راستای بهبود وضعیت اقتصادی خود، تعهد نمودند.

ضمناً سهم آلمان از این بسته "کمکی"، ۲۲ میلیارد یورو است که ۸.۴ میلیارد یورو از آن به سال ۲۰۱۰ اختصاص دارد.

روز دوشنبه (۴ مه)، تنستین اعتصابات علیه سیاست های جدید فوق شکل گرفت. در این روز، کارگران بخش خدمات عمومی به مدت ۴۸ ساعت دست به اعتصاب زدند.

سه شنبه (۵ مه)، یونان وارد مرحله جدیدی از مبارزات خود شد. مدارس، برخی از بیمارستان ها و بسیاری از مشاغل خصوصی تعطیل شدند. حمل و نقل عمومی متوقف شد و فرودگاه ها نیز به حالت تعطیل درآمدند. به علت اعتصاب کارکنان فرودگاه ها، حریم هوایی یونان از نیمه شب سه شنبه چهارم مه، به روی تمام هواپیماها بسته شد. به دنبال پیوستن روزنامه نگاران و کارکنان رسانه ها به اعتصاب عمومی، فعالیت عادی رادیو و تلویزیون نیز دچار اختلال شد. بالغ بر ۱۵۰.۰۰۰ نفر از کارگران در اعتصاب آتن شرکت کردند. تظاهرات عظیمی در ۶۸ شهر رخ داد که در بین آن ها، تظاهرات تسالونیک، پاتراس و هراکلیون جزو عظیم ترین تظاهرات بودند. خشم تظاهرکنندگانی که از سوی GSEE-ADEDY و PAME (شاخه حزب کمونیست در اتحادیه های کارگری) سازماندهی شده بودند، در قالب شعارهایی هم چون "پاسوک-دموکراسی نو: ریاضت، بیکاری، تروریسم" کاملاً مشهود بود.

اعتصاب سراسری روز چهارشنبه پنجم مه، شبکه ترابری یونان را فلج کرد. پروازها به یونان و از یونان به خارج به حال تعلیق درآمد، کشتی ها در بندرها ماندند و فرودگاه ها تعطیل شدند.

گزارشگر بی بی سی در آتن می گوید: خشم عمومی مردم یونان نسبت به دولت و دولت های خارجی و ناخرسندی آن ها از برنامه صرفه جویی در هزینه ها رو به افزایش بوده است. مایکل برابانت، گزارشگر بی بی سی در آتن، می گوید ده ها هزار کارمند دولتی که در حال حاضر واجد شرایطند که بازنشستگی بزرگی دریافت کنند، قبل از تصویب برنامه صرفه جویی در هزینه های دولت در پارلمان، استعفا داده اند.

دولت یونان از کارمندان ارتش، نیروهای پلیس، مدارس و بیمارستان ها که از برنامه صرفه جویی دولت روحیه خود را از دست داده و دل سرد شده اند، خواسته است تقاضای بازخرید نکنند، چون بیم آن را دارد که درخواست برای دریافت حق بیمه اجتماعی شدیداً افزایش یابد و منابع وزارت دارایی را بیش از پیش تحت فشار قرار دهد.

درگیری های این روز به کشته شدن سه کارمند شعبه بانک "مارفین" در میدان استادیو منجر شد. پس از این واقعه، اتحادیه کارمندان بانک برای روز بعد اعلام اعتصاب کرد و رییس بانک را متهم نمود که به زور تهدید کارمندان بانک را وادار به شکستن اعتصاب نموده است. از روز پنجشنبه کارمندان بانک ها در اعتراض به این مسأله، دست به اعتصاب زدند. (به علاوه، یکی از کارمندان بانک نامه ای در مورد این واقعه تلخ-که اکنون مورد سوء استفاده دولت قرار گرفته- و برای اطلاع عموم مردم جهان نوشته است).

مضحک آن جاست که سرمایه داری یونان، برای توجیه اقدامات خود، کارزار تمام عیاری علیه معترضین به راه انداخته است.

نخستین افسانه ای که به کرات در کارزار رسانه های دولتی یونان و سایر کشورهای سرمایه داری علیه معترضین یونان نقل می شود کما بیش اینست که "مردم سست و تنبل یونان، که همیشه بدون دلیل وارد اعتصاب می شوند، حالا از اروپایی ها می خواهند که هزینه کم کاری آن ها را بپردازند".

اما واقعیت تماماً خلاف آن چیزی است که از سوی رسانه های مذکور تکرار می شود. جنبش کارگری جهانی، به خصوص در اروپا، و نیروهای چپ باید بدانند که طبق گزارشات [Eurosat](#)، کارگران یونان به طور متوسط تعداد ساعات بیش تری را نسبت به کارگران سایر کشورهای اروپایی، به کار اختصاص می دهند. (هفته ای ۴۲ ساعت، در حالی که هفته کاری در ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا ۴۰.۳ ساعت و در منطقه یورو، قریب به ۴۰ ساعت است).

به علاوه، کارمندان بخش خصوصی یونان کم ترین میزان دستمزد پرداختی را نسبت به سایر کشورهای منطقه یورو دارند. در یونان، متوسط دستمزد ناخالص ماهانه، شامل تأمین اجتماعی و مالیات ها، ۸۰۳ یورو (حدود ۷۰۰ پوند یا ۱۰۶۳ دلار آمریکا) است در حالی که کم ترین میزان دستمزد ناخالص در فی المثل ایرلند، ۱۳۰۰ یورو، در فرانسه ۱۲۵۰ یورو و در هلند ۱۴۰۰ یورو می باشد.

اگر قرار به پذیرش دروغ پردازی های رسانه های بورژوازی باشد، احتمالاً باید بپذیریم که کارگران یونان به واقع در یک "بهشت" زندگی می کنند؛ جایی که می توانند به راحتی و زود هنگام بازنشسته شوند و از مزایای حقوق مستمری برخوردار

گردند. ولی نیم‌نگاهی به ارقام موجود (حتی در خوش‌بینانه‌ترین حالت ممکن) چنین تصویری را با شک و تردید رو به رو می‌سازد. متوسط سن بازنشستگی در یونان ۶۱.۴ سال است، که کمی بالاتر از متوسط سن بازنشستگی در اروپا (۶۱.۱ سال) قرار دارد.

در این بین، ژست‌های حق به جانب و وقیحانه دولت در مورد حقوق بازنشستگی کارگران هم تماماً پوشالی است. طبق گزارش مؤسسه کار GSEE (کنفدراسیون سراسری کارگران یونان)، متوسط حقوق بازنشستگی در یونان ۷۵۰ یورو در ماه (معادل تقریباً ۹۹۰ دلار آمریکا) است، در حالی که در اسپانیا، این رقم در حدود ۹۵۰ یورو، در ایرلند ۱۷۰۰ یورو، در بلژیک ۲۸۰۰ یورو و در کشور هلند ۳۲۰۰ یورو است. با این حال، طبق سیاست‌ها (در واقع حملات) جدید دولتی، سن بازنشستگی از ۶۵ به ۶۷ سال افزایش می‌یابد، در حالی که هم‌زمان حقوق بازنشستگی ۳۰ تا ۵۰ درصد کاهش پیدا می‌کند.

طبق گزارش سالانه کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری مشترک GSEE-ADEDY در مورد اقتصاد و سطوح اشتغال در سال ۲۰۰۹، از ۴.۵ میلیون نیروی کار فعلی، بالغ بر یک میلیون نفر (یعنی بیش از ۲۲ درصد) بدون تأمین اجتماعی یا سایر اشکال حمایت‌های قانونی، کار می‌کنند. گزارش "کمیسسیون تأمین اجتماعی"، که از سوی وزیر کار یونان تأسیس گردیده است، این نسبت را برای کل نیروی کار، ۳۰ درصد برآورد می‌کند. این در حالیست که در مابقی کشورهای اتحادیه اروپا، تنها ۵ تا ۱۰ درصد کل کارگران، تحت چنین شرایطی قرار دارند.

دولت سرمایه‌داری یونان، برای توجیه اقدام خود در زمینه جلوگیری از استخدام بیش‌تر در بخش عمومی (دولتی)، از شمار "اضافی" کارمندان دولتی در یونان اظهار نگرانی می‌کند. طبق گزارشات سازمان جهانی کار (ILO)، کارمندان دولتی در یونان ۲۲.۳ درصد کل نیروی کار را تشکیل می‌دهند، در حالی که این نسبت در فرانسه، سوئد و هلند به ترتیب ۳۰، ۳۴، ۲۷ درصد، در انگلستان ۲۰ درصد و نهایتاً در آلمان ۱۴ درصد است. بنابراین، از این نظر یونان در زیر مقدار متوسط قرار دارد. اما مهم‌ترین مسأله‌ای که در این جا باید به یاد داشته باشیم اینست که ۳۰۰۰۰۰ نفر از کارمندان و کارکنان بخش عمومی، تحت قراردادهای موقت به استخدام درآمده‌اند، که این موضوع به معنای دستمزد و حقوق به مراتب کم‌تر برای آن‌ها است. ضمناً طبق گزارش ADEDY (کنفدراسیون اتحادیه‌های کارمندان دولتی) از سال ۱۹۹۰ به این سو، کل درآمد واقعی کارمندان بخش دولتی، ۳۰٪ سقوط کرده است.

وضعیت حاد طبقه کارگر یونان (که با تبلیغاتی شبانه‌روزی بورژوازی پنهان نگاه داشته می‌شود)، به همین جا ختم نمی‌گردد. در شرایطی که حقوق و دستمزدها کاهش داده می‌شود، قیمت اقلام اساسی و ضروری سیری صعودی طی می‌کند. به عنوان نمونه، یک بسته حبوبات به طور متوسط ۲.۸۶ یورو هزینه دارد، در حالی که همان بسته در انگلستان ۱.۸۹ یورو و در فرانسه ۲.۲۵ یورو است. در یونان، قیمت یک مسواک ۳.۷۴ یورو است، در حالی که همان مسواک در انگلستان ۲.۴۶ یورو فروخته می‌شود. یک بسته از نوشیدنی‌های غیرالکلی در یونان ۳.۱ یورو و در بلژیک، فرانسه و انگلستان به ترتیب ۲.۷۶، ۲.۳ و ۲.۶۸ یورو قیمت دارد. متوسط قیمت یک فنجان قهوه یا چای در یونان بین ۳ تا ۳.۵ یورو، یعنی بیش از دو برابر متوسط اکثر کشورهای اروپایی، است.

کاملاً می‌توان دید که تمامی ادعاهای ریز و درشت دولت پاسوک در یونان (که با همان مفهوم، ولی به اشکال دیگری، از سوی مقامات جمهوری اسلامی علیه کارگران تکرار می‌شود)، کوچک‌ترین تطابقی با واقعیت ندارد.

در ادامه قصد داریم تا ضمن بررسی شرایط وخیم اقتصادی در ایران، و درس‌های غنی اعتصابات عمومی سراسری و اعتراضات کارگری در یونان (به خصوص مسأله تشکل، برنامه ریزی و سازماندهی کارگری)، از راهکار "اعتصاب عمومی" در ایران (به عنوان یکی از ابزارهای بستن شاهراه‌های اقتصادی کشور و نهایتاً در هم شکستن ستون فقرات دولت سرمایه‌داری) دفاع کنیم.

ادامه دارد...

<http://www.militaant.com/farsi/yunan-bohran.pdf>

[http://ec.europa.eu/economy\\_finance/publications/european\\_economy/2010/pdf/ee-2010-2\\_en.pdf](http://ec.europa.eu/economy_finance/publications/european_economy/2010/pdf/ee-2010-2_en.pdf)

[http://epp.eurostat.ec.europa.eu/cache/ITY\\_PUBLIC/2-22042010-BP/EN/2-22042010-BP-EN.PDF](http://epp.eurostat.ec.europa.eu/cache/ITY_PUBLIC/2-22042010-BP/EN/2-22042010-BP-EN.PDF)

<http://news.bbc.co.uk/2/hi/8661385.stm>

<http://news.bbc.co.uk/2/hi/europe/8655711.stm>

<http://www.in.gr/news/article.asp?lngEntityID=1132263&lngDtrID=251>

<http://www.nytimes.com/2010/05/06/world/europe/06greece.html>

<http://www.marxist.com/myth-of-lazy-greek-workers.htm>

<http://www.marxist.com/greece-earth-shattering-strike-reaction-murders.htm>

<http://www.wsws.org/articles/2010/mar2010/euro-m17.shtml>

<http://www.imf.org/external/pubs/ft/survey/so/2010/car050210a.htm>

<http://www.spiegel.de/international/europe/0,1518,692619,00.html>

<http://www.economyincrisis.org/content/lessons-us-could-learn-greece>

<http://www.etehad.se/artikel/576>

<http://www.edalat.org/sys/content/view/4545/1/>

[http://en.wikipedia.org/wiki/Greek\\_debt\\_crisis\\_of\\_2010](http://en.wikipedia.org/wiki/Greek_debt_crisis_of_2010)

[http://en.wikipedia.org/wiki/General\\_Confederation\\_of\\_Greek\\_Workers](http://en.wikipedia.org/wiki/General_Confederation_of_Greek_Workers)